

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک

مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران

دکتر امیر رستگار خالد*

هاجر عظیمی**

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۴

چکیده

مقاله حاضر به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک در بین دانشجویان دانشگاه تهران می‌پردازد. شهروندی دموکراتیک با تأکید بر هر دو بعد حق/وظیفه شهروندی، از ملزومات اساسی جوامع خواهان دموکراسی واقعی است و مطابق با نظریات اندیشمندانی چون توکویل، آلموند و وربا، پوتنام و... یکی از عوامل تثبیت و گسترش شهروندی دموکراتیک، سرمایه اجتماعی می‌باشد. در نتیجه شناخت رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک، به عنوان عامل تأثیرگذار بر شهروندی دموکراتیک، ضروری

Amir_rastegarkhaled@yahoo.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد.

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد.

می‌باشد. تحقیق حاضر به روش پیمایش است و جامعه آماری آن را دانشجویان دانشگاه تهران تشکیل می‌دهند، که تعداد ۳۸۰ نفر از آنان به عنوان نمونه تحقیق با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شدند. ابزار این تحقیق پرسشنامه است. داده‌های حاصله از تحقیق از طریق آماره‌های توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان، سطح شهروندی دموکراتیک آنان نیز افزایش می‌یابد. از طرف دیگر با افزایش اعتماد اجتماعی، بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک که ناظر بر حقوق شهروندی است، افزایش می‌یابد و با افزایش مشارکت مدنی، بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک که ناظر بر تکلیف شهروندی است نیز بیشتر می‌شود. در خصوص نتایج متغیرهای زمینه‌ای نتایج بیانگر این است که، دانشجویان پسر از نظر شهروندی دموکراتیک در سطح بالاتری قرار دارند و در بین قومیت‌های گوناگون، قوم ترک نسبت به دیگر اقوام در سطح بالاتری از شهروندی دموکراتیک قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: شهروندی دموکراتیک، سرمایه اجتماعی، اعتماد

اجتماعی، مشارکت مدنی

مقدمه

شهروندان هر جامعه، عناصر اصلی و بنیادی آن جامعه را تشکیل می‌دهند. بدون تردید دارا بودن چنین شهروندانی که نسبت به حقوق و وظایف خود آگاه باشند و خود را نسبت به سرنوشت جامعه خویش مسئول دانسته و در امور گوناگون مربوط به آن مشارکت نمایند، ضامن بقای آن جامعه است. نیاز به شهروندانی خوب و فعال سبب شده است که شهروندی به یک تقاضای جهانی تبدیل شود. مفهوم شهروندی به عنوان فردی که تعهداتش را نسبت به جامعه اش می‌پذیرد و ضمن حفظ حقوق اساسی خود آگاه بودن را لازمه مشارکت خود می‌داند، راهی است که امروزه بسیاری از تشکلهای

مشروعیت خود را از طریق آن‌ها ممکن می‌دانند (فتحی و واحد چوکده، ۱۳۸۸: ۴۳). به همین دلیل است که مبحث آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی و مشارکت فعال شهروندان در امور جامعه از مباحث چالش برانگیز در جامعه است، چرا که داشتن یک جامعه سیاسی سالم و دستیابی به توسعه سیاسی در گرو داشتن شهروندانی فعال در عرصه اجتماع است، که با حضور چشمگیر خویش در عرصه‌های گوناگون جامعه در مسیر تحکیم یک نظام مبتنی بر دموکراسی گام بردارند. «شهروندی دموکراتیک»، به عنوان شهروندی که با دارا بودن آگاهی کامل از حقوق خویش در جامعه خواهان مشارکت فعال در امور مربوط به آن است، حلقه مفقوده در مباحث شهروندی و کلید استقرار و دوام دموکراسی در جامعه است. بدین معنا که، وقتی از دموکراسی و لزوم رسیدن به آن به عنوان یک روش حکومتی سخن می‌رانیم، باید شرایطی را نیز برای رسیدن به این هدف داشته باشیم و یا اگر فاقد آنیم، برای ایجاد و القای آن همت گماریم. حکومت‌های دموکراتیک مبتنی بر دموکراسی، برای تحقق اهدافی که مدنظر آن‌هاست، احتیاج به شهروندان دموکراتیک دارند (میرابراهیمی، ۱۳۸۱: ۸). همان گونه که هانتینگتون معتقد است، جهت گیری‌های هنجاری شهروندان پیش شرط تحولات دموکراتیک به شمار می‌رود. در واقع دوام و قوام دموکراسی به وجود شهروندان دموکراتیک یا متمایل به آرمان‌های دموکراتیک وابسته است (موحد و دلبری، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

با توجه به اهمیت شهروندی دموکراتیک در یک نظام سیاسی، شناخت عوامل تأثیرگذار در رشد و گسترش آن ضرورت می‌یابد. یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر این مقوله، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، ثروت و دارایی نامرئی است که حکایت از آمادگی روحی- روانی آحاد یک جامعه برای درگیر شدن در عمل جمعی دارد. یعنی سرمایه اجتماعی می‌تواند به مثابه حلقه مفقوده‌ای، حوزه‌های اجتماعی - سیاسی را در راستای توسعه کمی و کیفی جامعه، به یکدیگر متصل کند. در چنین شرایطی است که تحقق جامعه مدنی و تحکیم دموکراتیک آسان تر می‌شود (غفوری و

جعفری، ۱۳۸۷: ۲۱۱). در عین حال، می‌توان انتظار داشت با افزایش سرمایه اجتماعی در میان افراد جامعه شاهد گسترش روز افزون ارزش‌های دموکراتیک و در نتیجه مشارکت فعال در جامعه همراه با رشد و توسعه سیاسی روبرو خواهیم بود. در این راستا، از آنجا که دانشجویان به عنوان قشر فرهیخته جامعه با توجه به نقشی که در آینده کشور از نظر اداره امور و فعالیت‌ها دارند و قدرت و توانایی‌هایی که دانشجویان در دامن زدن به تحولات اجتماعی دارا هستند روشن است که به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه سیاسی در جامعه محسوب می‌شوند و بر این اساس شناخت نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی آنان نیز در جامعه دارای اهمیت است (محمدی، ۱۳۸۷: ۹-۱۰).

بنابراین پژوهش حاضر درصدد است تا به این سوال پاسخ دهد، که آیا بین سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک در بین دانشجویان رابطه وجود دارد؟ همچنین چه رابطه‌ای بین بعد ذهنی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد با بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک وجود دارد؟ و از سوی دیگر رابطه بعد عینی سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت مدنی با بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک به چه صورت است؟

مبانی تجربی

بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که تاکنون در هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده داخلی، به تأثیر سرمایه اجتماعی بر شهروندی دموکراتیک پرداخته نشده است. اغلب منابعی ای که در این جا مرور می‌شوند پژوهش‌هایی هستند که اغلب جنبه تاریخی داشته و به طور تلویحی به این موضوع اشاره نموده‌اند.

محمد عبداللہی و محمدعثمان حسین بر (۱۳۸۵)، پژوهشی را با عنوان بررسی نگرش مردم به دموکراسی و رابطه آن با هویت جمعی در میان اقوام ایرانی انجام دادند. در مبانی نظری علاوه بر چشم اندازی کلان به موضوع، چارچوبی مناسب در سطح

خرد مبتنی بر نظریه‌های مربوط به دموکراسی مورد استفاده قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از این است که زمینه‌های اجتماعی مناسبی برای دموکراتیک شدن ایران وجود دارد چرا که نگرش کلی اقوام ایرانی نسبت به دموکراسی مثبت است. آن‌ها همچنین به ارزش‌های دموکراتیک و نیز یک جامعه مدنی همگانی اعتقادی قوی دارند و معتقدند همه اقوام و مذاهب و گروه‌ها باید از حقوق شهروندی فردی و جمعی یکسانی بهره‌مند شوند. وجود این گونه فرصت‌ها معرف آمادگی ایران برای برخورداری از دموکراسی است.

پاملا پکستون (۲۰۰۲) در مطالعه خود به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و دموکراسی در مقیاس جهانی دست می‌زند. پکستون سرمایه اجتماعی را به عنوان ویژگی کلی کشورها در نظر گرفته و اثرات آن را بر ایجاد و حفظ سازمان‌های دموکراتیک سالم بررسی کرده است. او این اثرات را در دو محور می‌داند: ۱- کمک به ایجاد دموکراسی در کشوری که دموکراتیک نبوده. ۲- حفظ و بهبود دموکراسی موجود. سرمایه اجتماعی با ایجاد فضا برای پیدایش و انتشار گفتمان انتقادی در مورد حکومت وقت و تدارک راهی برای مخالفت فعال با نظام به انتقال جامعه به دموکراسی کمک می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه میان سرمایه اجتماعی و دموکراسی دوجانبه است. مطالعه طولی بیانگر این موضوع است که سرمایه اجتماعی، دموکراسی را تقویت می‌کند و اثر واکنش از دموکراسی به سرمایه اجتماعی هم وجود دارد.

رایس و لینگ (۲۰۰۳) در تحقیقی با روش تطبیقی، رابطه میان سرمایه اجتماعی و دموکراسی را در یازده کشور اروپایی و امریکایی مورد بررسی قرار داده؛ و معتقدند کشورهایی که سرمایه اجتماعی شهروندان آن بالاتر بوده، میزان گرایش به رفتارهای دموکراتیک آنان نیز بیشتر بوده است. در حالی که کشورهایی که میزان سرمایه اجتماعی در میان شهروندان آن پایین بوده است، میزان تحقق رفتارهای دموکراتیک در آن‌ها نیز پایین بوده است.

چونگ مین پارک و دا چول شین (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان سرمایه اجتماعی و شهروندی دموکراتیک در کره جنوبی، به مطالعه اثر سرمایه اجتماعی بر گسترش شهروندی دموکراتیک در بین افراد پرداختند. در این پژوهش، کشور کره به عنوان موردی در نظر گرفته شد که در آن تأثیر سرمایه اجتماعی - به عنوان سیمای مهم جامعه مدنی - بر شهروندی دموکراتیک در سطح افراد مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از تکنیک پیمایش به اجرا درآمد. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که درگیری اجتماعی به عنوان بعد عینی سرمایه اجتماعی، بیشتر جنبه رفتاری شهروندی دموکراتیک را توسعه می‌دهد، در حالی که اعتماد اجتماعی به عنوان بعد ذهنی سرمایه بیشتر وجه نگرشی شهروندی دموکراتیک را ارتقا می‌بخشد.

جیکول لی (۲۰۰۸) در مطالعه خود با موضوع سرمایه اجتماعی و دموکراسی فراگیر در شهروندان، به جهش به سمت دموکراسی شدن به واسطه گسترش سرمایه اجتماعی تأکید دارد. مطالعه یادشده این مسئله را بررسی می‌کند که آیا سرمایه اجتماعی شهروندی دموکراتیک را توسعه می‌دهد؟ این پژوهش که به صورت پیمایش در میان مردم کره جنوبی اجرا شد، به این نتیجه دست یافت که در گسترش دموکراسی شدن در کره، دو ترکیب سرمایه اجتماعی نقش بسیاری را در جهت دادن مردم کره به سوی دموکراسی ایفا می‌کنند. جزء ساختاری (مشارکت مدنی) مردم را به فراگیری هنجارهای دموکراتیک و شرکت در فرایندهای سیاسی تشویق می‌کند و از سوی دیگر، جزء فرهنگی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی، از طریق تشویق مردم به تأیید محسنات دموکراسی، به توسعه دموکراسی شدن در بین کره‌ای‌ها می‌انجامد.

مبانی نظری

در نظریه‌های شهروندی، تعریف متعارف و نسبتاً مورد اجماع از شهروندی و به عبارت دقیق تر هسته مشترک تمامی تعاریف، که با محوریت دو مقوله کلیدی حق و وظیفه

همراه است، شهروندی را مفهومی به هم پیوسته از حقوق و وظایف مدنی سیاسی و اجتماعی می‌داند، که به مثابه نوعی پایگاه، شأن و عضویت اجتماعی به تمامی افراد جامعه اعطاء شده است و فارغ از تعلقات طبقاتی، نژادی، قومی، مذهبی و اقتصادی، همگان را یکسان و برابر فرض گرفته و آن‌ها را واجد حق برخوردار از تمامی امتیازات، منابع و مزایای حاصله از جامعه می‌داند و نهایتاً مسئول، مکلف و موظف به مشارکت در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، محسوب می‌نماید (ملکین، ۱۹۹۶؛ به نقل از منوچهری و نجاتی حسینی، ۱۳۸۵: ۳).

در بررسی مفهومی شهروندی به لحاظ روند تاریخی دو رویکرد مشخص را می‌توان از یکدیگر تمییز داد که در تبیین شهروندی دموکراتیک دارای اهمیت است. این دو رویکرد عبارتند از:

الف) رویکرد سنتی: در این رویکرد عمدتاً تصور منفعلانه‌ای نسبت به شهروند وجود دارد و تنها از طریق جریان جامعه پذیری - که بویژه بوسیله نهادهای تربیتی و خانواده انجام می‌شود - به سوی وفاداری به کشور و دولت خود ترغیب می‌گردد. عمده موضوعات مطروحه در این رویکرد، پرداختن به تاریخ و سنت‌های ملی است. همه این جریانات شهروندان را آماده می‌کند تا نقش منفعل خود را در جامعه به عهده گیرند (دی، ۲۰۰۴: به نقل از فتحی و واحد چوکده، ۱۳۸۵: ۹۹). به عبارت دیگر، وجه انفعالی همان است که هابرماس «عضویت دریافت شده»^۱ می‌نامد. در این معنا شهروند از وضعیت حقوق تعریف شده‌ای برخوردار است و مشارکت چندانی در نهادها، روابط و رویه‌هایی که تضمین کننده ثبات آن وضعیت است ندارد (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۵۰).

ب) رویکرد فعال: در این رویکرد برخلاف رویکرد نخست برای شهروند نقش فعالانه‌ای در نظر گرفته می‌شود. از این رو همواره فرصت‌های زیادی وجود دارد که در آن شهروندان می‌توانند درصدد بررسی موضوعات مهم روز و اشاعه فرهنگ

^۱Received Membership

مشارکت‌جویی در اصلاح جامعه در سطح محلی، ملی و حتی جهانی برآیند (سرز و هیرت، ۲۰۰۵: به نقل از جاویدی و عالی، ۱۳۸۷: ۲۸۲). وجه فعال شهروندی از دیدگاه هابرماس «عضویت کسب شده» می‌باشد. در این معنا شهروندی مستلزم مشارکت فعال و جذب شدن فرد در جامعه‌ای است که هویت او را می‌سازد (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۵۱). همچنین با توجه به این رویکرد، هرکسی حق دارد عقایدش را آزادانه بیان کند و دیدگاه‌های خود را در قالب چارچوب‌هایی ارائه و پیگیری نماید (لوستیو و اپیس، ۲۰۰۳: به نقل از جاویدی و عالی، ۱۳۸۷: ۲۸۲). در واقع، شهروند خوب و فعال مشخص‌کننده افرادی است که به طور کامل در تعهدات عضویتی درگیر هستند. این نوع از شهروندی به معنای وفاداری برای خدمت به جامعه، مدرسه، دین و انجمن‌های سیاسی است (ویلا، ۲۰۰۱: به نقل از فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۵۱).

با توجه به رویکرد دوم، شهروندی از سه عنصر مکمل و جدایی‌ناپذیر تشکیل می‌شود. نخست مبتنی است بر آگاهی به مجموعه حقوق و تکالیفی که از سوی دولت واگذار شده است. دوم مبتنی است بر یک رشته رفتارهای مدنی واقعی، که از کوشش ساده کسب اطلاعات درباره مسائل روز مبارزاتی یا انتخاباتی تا انداختن ورقه رأی در صندوق آراء را شامل می‌شود. سوم و بویژه، شهروندی مبتنی است بر وجود یک نظام ارزش‌ها، یک اعتقاد اخلاقی که به آن معنا و ارزش و بها می‌بخشد، چون روحیه دموکراتیک را نمی‌توان تا حد محاسبه ساده سوددهی تنزل داد. حاکمیت با مردم است. باید عظمت این اصل را درک کرد و ارزش نهاد که هر فرد خاص برای درک آن تا حدی مشکل دارد (ارمه، ۱۳۷۶: ۱۷۴). همچنان که ملاحظه می‌شود، براساس رویکرد دوم، برخورداری شهروندی از بسیاری از فعالیت‌ها از قبیل تفکر انتقادی می‌تواند ضرورتی مهم در مشارکت فعالانه و مؤثر آنان در جامعه دموکراتیک محسوب شود. در

نتیجه در رویکرد دوم، شهروندی دموکراتیک به عنوان موضوعی مهم، مورد توجه می‌باشد (جاویدی و عالی، ۱۳۸۷: ۲۸۲).

شهروندی دموکراتیک

شهروندی دموکراتیک^۱، براستی مفهومی کاملاً جدید در تاریخ است. زیرا تا مدت‌های مدید زنان و بردگان از زندگی سیاسی محروم بودند. شهرهای یونان باستان مرکزیت دموکراسی‌های واقعی نداشتند، با این وجود، آنها ایده و هسته مرکزی شهروندی دموکراتیک را به ما می‌دهند که تا به امروز برای ما به جا مانده است (Broadbent, ۲۰۰۲: ۲). یافتن الگوی نه کامل اما دست کم قابل پذیرش از شهروندی دموکراتیک، حتی در دموکراسی‌های قدیمی، کار آسانی نیست. غربیان که از مدتها پیش به رقابت احزاب، مباحثات سیاسی، مشورت‌های انتخاباتی و مبارزه یا همکاری خوگرفته و آوازه یافته‌اند که در این زمینه قابلیت خاصی دارند. تاریخ می‌گوید که زمان زیادی طول کشیده تا آگاهی شهروندی به عنوان یک آگاهی تا حدی منسجم پدیدار شود (ارمه، ۱۳۸۷: ۱۶۶). در واقع، در دیدگاه شهروندی دموکراتیک، کانون توجه بر رشد آگاهی‌های مربوط به فرایند دموکراتیک و برخی مهارت‌های شناختی از قبیل تفکر انتقادی، تحلیل ارزش‌ها و مهارت‌های فرایند گروهی قرار دارد تا امکان مشارکت در دموکراسی فراهم شود (میلر، ۱۳۸۷: ۸۸). آن چه تمام شهروندان دموکراتیک در آن سهیم‌اند، تعهد به ارزش دموکراسی است به عنوان رویه‌ای منصفانه برای اتخاذ تصمیم‌های جمعی، درباره اموری که تمام زندگی شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا برای تنظیم کنش متقابل میان شهروندان ضروری است (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۲۰).

^۱Democratic citizenship

شهروندی دموکراتیک: پدیده چند معنایی

شهروندی دموکراتیک به عنوان یک مفهوم چالشی^۱ و چند معنایی^۲ توصیف شده است. در هر حال، از درون، شهروندی همیشه یک موضوعی است متعلق به اجتماع، که از حقوق و سیاست‌ها آغاز می‌گردد. شهروندی همیشه یک بعد سیاسی دارد، زیرا شهروندان توانایی تعیین‌کنندگی قانون را دارند. در اروپا، شهروندی بر احترام به عدالت، حقوق بشر، آزادی‌های اساسی و وضع قوانین مبتنی است (Starkey, 2002: 7). همان گونه که شورای اروپا شهروندی را به عنوان امور مرتبط به مشارکت گسترده، همبستگی اجتماعی، نزدیکی، انصاف و انسجام تعریف می‌کند. شهروندی دموکراتیک به جذب، مشارکت، فرهنگ، ارزش‌ها و تدارک فعال مزایا و اعمال شهروندی مرتبط است و نه اخراج، در حاشیه قرار دادن و پرسش‌های ساده تشریفاتی (همچون رأی) (استارگی، ۱۳۸۸: ۳۰۶).

لاسول، نخستین کسی است که به مفهوم شخصیت در عرصه سیاست و حکومت پرداخت. وی شخصیت یا منش دموکراتیک را دارای چهار ویژگی می‌داند:

- بازبودن و اجتماعی بودن در نتیجه روابط گسترده با دیگران؛
- ترجیح ارزش‌ها و نیازهایی که مورد توجه و طلب دیگران نیز هست؛
- اعتماد به نیک سرشتی بنیادی انسان‌ها همراه با اعتماد به نفس؛
- رسوخ این سه ویژگی به ناخودآگاه فرد.

بنا به نظر لاسول، جامعه دموکراتیک نیازمند شخصیت دموکراتیک است و میان آن دو روابط متقابلی وجود دارد (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۰۳).

مارتین لیپست، شخصیت دموکراتیک را توصیف آن سنخ از افرادی می‌داند که فعالانه در سیاست دموکراتیک، محل کار و انجمن‌های داوطلبانه مشارکت دارند. ویژگی این شخصیت را عبارت می‌داند از تمایلات و خلق و خوی دایمی فرد که در

^۱Contested
^۲Polymeans

بسیاری از وضعیت‌ها بروز می‌کند. این ویژگی کلی تر از نگرش‌هایی هستند که ممکن است به معدودی وضعیت مرتبط باشند؛ مثلاً نگرش‌های رأی دادن. تعریف وی، آن سنخ از شخصیت یا نشانگان شخصیتی است که شخص را به طلب مشارکت در ساختار سیاسی دموکراتیک و فرایندهای دموکراتیک در سیاست، محل کار، انجمن‌ها یا ایجاد این گونه ساختارها و فرایندها سوق می‌دهد. شخصیت دموکراتیک در عین حال در این ساختارها میل به شکل گرفتن یا متحول شدن دارد. مفهوم شخصیت دموکراتیک اگر چه معمولاً به سیاست و حکومت محدود می‌شود. در واقع در همه بخش‌های اصلی جامعه ظاهر می‌شود: در سیاست و حکومت (در هر سیاست‌های محلی مشارکت دارند)، گه‌گاه در کسب و کار (کسانی که در دموکراسی محل کار مشارکت دارند) در سازمان‌های غیرانتفاعی (کسانی که در سازمان‌های داوطلبانه مشارکت دارند) و در خانوار و خانواده (لیپست، ۱۳۸۳: ۹۴۳).

جیمز گیسون، شهروندی دموکراتیک را این گونه تعریف می‌کند، شهروندی که به آزادی‌های فردی اعتقاد دارد، از نظر سیاسی مداراجو، بی‌اعتمادی معین و مشخص به قدرت و رهبری سیاسی دارد. در همان حال به شهروندان معمولی اعتقاد دارد، مطیع و فرمانبردار است، در عین حال از حقوق خود در مقابل دولت آگاه است و نیز به محدودیت قدرت دولت به واسطه قانون اطلاع دارد (Gibson, 1995 : 45).

کنسول^۱ اروپا، تعریفی از شهروندی دموکراتیک را ارائه داده است: درباره مشارکت بیشتر، پیوستگی اجتماعی^۲، دسترسی، برابری و مسئولیت مشترک. شهروندی دموکراتیک درباره وارد شدن^۳ است تا جلوگیری از ورود^۴، مشارکت است تا حاشیه نشینی^۵، شامل فرهنگ و ارزش‌هاست تا موضوعات عملی ساده (مثل رأی دادن)

۱) Council

۲) Social cohesion

۳) Inclusion

۴) Exclusion

۵) Marginalization

و فعال بودن به شکل فهم و عمل شهروندی است. شهروندان نیازمند شناخت درباره نهادها، مسائل و رویه دموکراسی هستند و به مهارت‌ها و ارزش‌هایی که آنها را قادر می‌کند تا بر رویه‌های محلی، ناحیه‌ای و ملی تاثیرگذار باشند، نیاز دارند (starkey, 2002: 8)

براساس آنچه بیان شد می‌توان گفت، نقش شهروند دموکرات به صورت تئوری بدین شرح است: نخست این نقش، متضمن داشتن سطح بالایی از آگاهی درباره سیاست و طرز کار آن می‌باشد. از شهروند انتظار می‌رود که درباره ماهیت سیاست آگاهی کامل داشته باشد، اخبار مربوط به آن را پی‌گیری کند و در مورد واقعیات سیاسی قضاوتی منتقدانه اعمال نماید. علاوه بر این، انتظار می‌رود که شهروند باید چارچوبی منطقی برای قضاوت ماهیت جهت‌گیری مسائل سیاسی داشته باشد. این چارچوب در دموکراسی‌های سیاسی مدرن از وفاداری به یک حزب سیاسی ناشی می‌شود، غالباً نقش شهروند دموکرات متضمن داشتن حس قابلیت در مورد توانایی نفوذ و تاثیر روی تصمیمات دولت است. انتظار می‌رود که شخص احساس کند که می‌تواند اثری روی مسائل مهمی که در برابر رهبران سیاسی قرار دارد، داشته باشد. به علاوه، شهروند در هر نظام دموکراسی باید احساس اطمینان عمیقی به موسسات و قوانین دولت، بدون در نظر گرفتن موارد خاص اختلاف عقیده در مسائل و تصمیمات، داشته باشد. فرض بر این است که چنین وفاداری باید به بنیان و اساس حکومت باشد، نه لزوماً به صاحبان موقعیت‌ها و مقام‌های سیاسی که با آنان ممکن است اختلاف عقیده داشته باشد (آرم و سی مور، ۱۳۷۶: ۲۴۷-۲۴۸)

با این تفاسیر، شهروندی دموکراتیک، یک مرحله بالاتر از شهروندی است و شهروند خودش در جهت تحقق حقوق خویش فعال می‌شود. در واقع، ضمن آگاهی در جهت ایجاد ظرفیت‌های لازم، اقدام عملی صورت می‌گیرد تا در اداره عمومی کشور تلاش کند. شهروندان با توانمندی خاصی می‌آیند و به عنوان شهروند، تقاضای حقوق و آزادی‌های خودشان را مطرح می‌کنند. در واقع شهروندان باید بدانند چطور در اداره

عمومی کشور نقش داشته باشند، نقش خودشان را محدود به شرکت در انتخابات ندانند و نظارت بر نهاد قدرت را فراتر از صرف شرکت کردن در انتخابات تلقی کنند. همه اشکال و شیوه‌های مشارکت افراد در اداره عمومی کشور در حوزه شهروندی دموکراتیک مطرح می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۵: ۷).

شهروندی دموکراتیک این موضوع را ایجاب می‌کند که به رویه‌ها و فعالیت‌هایی که هدف آن تجهیز بهتر جوانان و بالغان است توجه شود تا ایشان با بکار بستن حقوق خود در جامعه و به عهده گرفتن مسئولیت‌هایشان، به صورت فعالی در زندگی دموکراتیک شرکت نمایند (فورستر، ۱۹۹۹: به نقل از استارگی، ۱۳۸۸: ۳۰۶). شهروندان نیاز دارند که از نهادها، مشکلات و فعالیت‌های دموکراتیک مطلع شده و صلاحیت‌ها و ارزش‌هایی را که به ایشان اجازه مفید بودن و تأثیرگذاری بر برنامه محلی، منطقه‌ای و ملی را می‌دهد، کسب نمایند (استارگی، ۱۳۸۸: ۳۰۷). در فرایند شهروند دموکراتیک شدن، شخص کیفیات مشخصی را کسب می‌کند که در میان آنان آگاهی و درک بیشتر سیاست و اعتماد ضمنی کمتر به موسسات، نظم سیاسی حاکم و اعمال رهبران آن می‌باشد. پیشرفت فکری به وضوح یکی از منابع کسب خصوصیات خاص نقش شهروند دموکراتیک است، هر چند که این تنها منبع ممکن برای این صفات نبوده و تعدادی خصوصیات دیگر نیز هست که منشأ آنان هنوز معلوم نشده است (آرم و سی مور، ۱۳۷۶: ۲۵۳-۲۵۴). البته نباید فراموش کرد که تنها با ایجاد افکار دموکراتیک در افراد لزوماً نمی‌توان انتظار شهروندان دموکراتیک را داشت چرا که ممکن است بسیاری از مردم یک جامعه به درک قواعد دموکراسی و افکار دموکراتیک دست یابند، اما در رفتار خود با شهروندانی با سلوک دموکراتیک نباشند، پس تبدیل افکار دموکراتیک به رفتار دموکراتیک نیز از ویژگی‌های شهروند در جامعه مدنی است (ارمه، ۱۳۷۶: ۱۷۲).

اما در نهایت برای این که محتوای شهروندی، دموکراتیک شود، مشارکت همه شهروندان در حد توانایی شان ضروری است (فالكس، ۱۳۸۱: ۲۰۸).

ابعاد شهروندی دموکراتیک

پارک و شین، در تبیین شهروندی دموکراتیک، آن را در دو بعد نگرشی^۱ و رفتاری^۲ تفکیک نمودند (park&shin, 2003: 19).

الف بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک، شامل دو شاخص کلی است که

عبارتند از: ۱) نگرش به دموکراسی^۳ ۲) قانون مداری یا قانون گرایی^۴ (ibid: 19)

۱) نگرش به دموکراسی: عبارت است از ارزیابی مثبت (موافق) یا منفی (مخالف) افراد از حکومت دموکراتیک. این حکومت، حکومتی است که در آن رهبران انتخابی باشند، حکومت کردن حقی همگانی باشد، تشکل‌های سیاسی آزاد باشند، آزادی بیان وجود داشته باشد و انتخابات به صورت آزاد و منصفانه برگزار شود (عبداللهی و حسین بر، ۱۳۸۵: ۱۷).

۲) قانون مداری: قانون پذیری و قانون گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. بدین معنا که هر فعالیتی بتواند به شکل قانونی صورت پذیرد. این امر مستلزم آن است که در هر مقطع از پویایی و تحرک جامعه و به تناسب آن، انسان‌ها قانون مدار و قانون پذیر باشند و رفتارشان جلوه کامل آن باشد (کلمن، ۱۹۸۷: ۹۰، به نقل از دانایی فرد و آذر و صالحی، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۴).

۱) Attitudinal

۲) Behavioral

۳) Democracy as an idea

۴) The rule of law

ب بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک، نیز بر سه شاخص کلی دلالت دارد:

(۱) درگیری سیاسی^۱ (۲) اثر بخشی سیاسی^۲ (۳) مشارکت سیاسی^۳ (park & shin, 2003: 19).

(۱) درگیری سیاسی: ورود شهروند به عرصه سیاسی جامعه و مشغولیت‌های ناشی از آن را می‌توان درگیری سیاسی تلقی نمود. نقش شهروند در حکومت دموکراسی ایجاب می‌کند، که فرد نقش فعالی در مشاورات سیاسی داشته و در رده تصمیم‌گیری، خصوصاً در مراحل که مسائلی به معرض قضاوت عمومی قرار داده می‌شود، مانند رأی‌گیری در مجامع اختیاری با مشخصات سیاسی و یا نیمه سیاسی، شرکت کند (آرم و سی مور، ۱۳۷۶: ۲۴۷-۲۴۸).

(۲) اثربخشی سیاسی: یکی از شاخص‌های معرف شهروندی دموکراتیک به عنوان یک عنصر کلیدی اثر بخشی سیاسی است، که به احساسی که شخص دارای توانایی تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری در جامعه است، اشاره دارد (Gibson, ۱۹۹۵: ۳۴). به عقیده راش، اثربخشی یعنی میزانی که افراد احساس می‌کنند می‌توانند در سیاست تأثیر بگذارند، که اساساً بسته به پایگاه اجتماعی اقتصادی و ضریب هوشی، فرق می‌کند (۱۳۸۵: ۱۰).

(۳) مشارکت سیاسی: هسته کانونی شهروندی دموکراتیک، مشارکت سیاسی است که به عنوان قصد انجام فعالیت برای تأثیرگذاری بر فعالیت‌های بازیگران سیاسی، خط مشی‌ها و امور مربوط به ساختار دولت اشاره دارد (Gibson, 1995: 45). رابرتسون (۱۹۹۳)، مشارکت سیاسی را با دموکراسی همسو دانسته و آن را در امکان و گستره به کارگیری کنش‌های سیاسی جست و جو می‌کند، براین اساس مشارکت سیاسی معمولاً به دامنه دسترسی شهروندان به حقوق دموکراتیک معمول در فعالیت سیاسی که به طور

^۱ Political involvement

^۲ Political efficacy

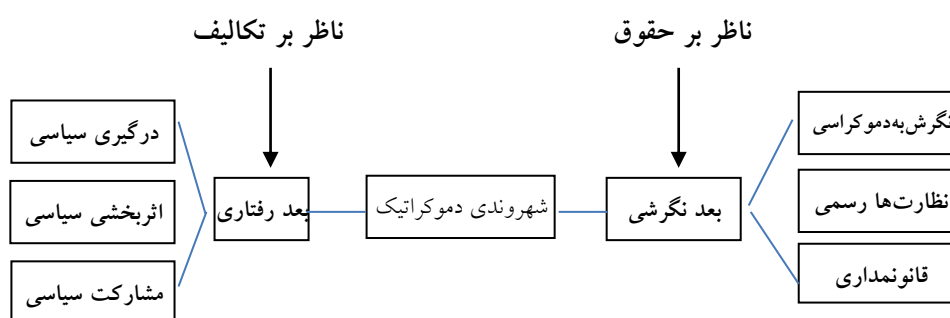
^۳ Political participation

قانونی استحقاق آن را دارند، اطلاق می‌شود (به نقل از: غفاری و زرین کاویانی، ۱۳۹۰: ۹۲).

براساس آنچه بیان شد بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک که شامل نگرش به دموکراسی، موازین و نظارت‌های رسمی و قانون‌مداری است، به ذهنیت شهروندان از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند برمی‌گردد؛ بدین معنا که شهروندان با توجه به ارزیابی که از ساخت حکومت خود دارند و این که تا چه اندازه این ساخت مطلوب یا نامطلوب است و یا تا چه اندازه برپایه قوانین و اصول برخاسته از خواست مردم تدوین شده و قابل اجراست متفاوت می‌باشد. در واقع این بعد، جنبه ذهنی داشته و به عقاید و نگرش‌ها و ذهنیت آنان اشاره دارد. اما بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک به عمل شهروندان بر می‌گردد؛ یعنی شهروندان در درجه نخست احساس می‌کنند می‌توانند در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند نسبت به تصمیمات آن سهم و اثری داشته باشند و بر مبنای آن در فعالیت‌های مربوط به سیاست و رویه‌های سیاسی شرکت داشته باشند. با توجه به این مطالب می‌توان گفت، دو بعد نگرشی و رفتاری در امتداد یکدیگرند بدین معنا که؛ بعد نگرشی شهروند دموکراتیک در ابتدا ایمان و عقیده به دموکراسی و ارزیابی مثبت یا منفی بودن شرکت در یک عمل جمعی را در فرد القاء کرده و به نوعی آمادگی ذهنی نسبت به آن را در فرد شکل می‌دهد و در مرحله بعد، بعد رفتاری، فرد را به شرکت در عمل جمعی و مشارکت در امور جامعه هدایت می‌کند. در واقع این دو بعد مکمل یکدیگر هستند و بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک که امری ذهنی است به عنوان پیش‌نیازی برای بعد رفتاری آن که عمدتاً امری عینی و ملموس است محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر هماهنگی در دو بعد نگرشی و رفتاری موجب می‌گردد شهروند دموکرات در درجه اول با آگاهی و شناخت نسبت به مسائل اطراف درصدد حل مسائل با پیگیری و شرکت فعال در آن برآید.

از سوی دیگر، با توجه به ابعاد دوگانه شهروندی در زمینه حقوق و تکالیف، بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک را می‌توان در چارچوب حقوق شهروندان قرار داد و بعد

رفتاری شهروندی دموکراتیک را در زمینه تکالیف شهروندی؛ یعنی مؤلفه‌های نگرش به دموکراسی، موازین و نظارت‌های رسمی و قانون مداری، به نوعی حقوق شهروندان را در چارچوب قانون تعیین می‌کند و بیانگر این مسئله است که تا چه اندازه برای شهروندان حقوقی را در جهت فعالیت‌های سیاسی و حضور آنان در صحنه سیاست قائل است و از طرف دیگر، مؤلفه‌های درگیری سیاسی، اثر بخشی سیاسی و مشارکت سیاسی تا حدودی بیانگر تکلیف شهروندی هستند، یعنی شهروندان دموکرات با توجه به کسب حقوق تعیین شده و رعایت آن در نظام سیاسی ملزم می‌گردند و تکلیف دارند که در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشند.



شکل ۱- ابعاد دوگانه شهروندی دموکراتیک

سرمایه اجتماعی

با گسترش کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی، بررسی‌های اخیر نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی بر روی موضوعات سیاسی نظیر، مشارکت در رأی دهی، آموزش حکمرانی، شهروندی دموکراتیک و اطمینان در نهادهای سیاسی تأثیر گذار است (Lee, 2008: ۵۸۴).

وجود سرمایه اجتماعی کلید استقرار جامعه مدنی و حیات شهروندی است و فقدان سرمایه اجتماعی مانع اساسی بر تأسیس و استقرار آن می‌باشد (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۱۴۸). بی‌گمان سرمایه اجتماعی و انجمن‌های مدنی می‌تواند در زمینه شکل‌گیری شهروند آگاه و توانا، برخوردار از اعتماد به نفس و ارزش‌های دموکراتیک، منتقد و جدی در پیگیری حقوق شهروندی، دلبسته به مشارکت مدنی و آگاه به راه‌ها و شیوه‌های اعتراض و ابراز خواسته‌ها، بسیار اثرگذار باشد. افزایش شمار شهروندان توانمند از دید کمی و کیفی، پیش شرطی مهم برای اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب خواهد بود، زیرا حکمرانی خوب و پاسخگویی حکومت در خلا پدید نمی‌آید، بلکه در جامعه‌ای با شهروندان آگاه و توانمند پا می‌گیرد (سردارنیا: ۱۴۲).

در مطالعات اخیر بیشتر تئوری پردازان سرمایه اجتماعی (اعم از عالمان سیاسی و جامعه‌شناسان) بر دو عنصر اصلی این مفهوم تأکید دارند: نخست، اعتماد میان اعضای اجتماع، و دیگری مشارکت در سازمان‌های اجتماع. این عناصر با چیزی که رازنفیلد، مسنر و باومر به ترتیب اعتماد اجتماعی^۱ و مشارکت مدنی^۲ نامیده‌اند، مطابقت دارد (لی، همان).

با پیروی از این دیدگاه می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی دارای دو بعد کمی و کیفی می‌باشد:

(۱) از نظر بعد کمی، سرمایه اجتماعی یک کمیت است؛ یعنی در جامعه هر چه مشارکت بیشتر باشد و تعداد انجمن‌های داوطلبانه یا به عبارتی، سازمان‌های غیردولتی بیشتر باشد سرمایه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود.

(۲) از نظر بعد کیفی، باید اذعان داشت که سرمایه اجتماعی دارای بعد کیفیتی مهمی است. برای برآورد جامع سرمایه اجتماعی می‌بایست میزان همبستگی و درجه

۱) social trust
۲) civic engagement

انسجام درون گروهی، اعتماد متقابل بین کنشگران، احساسات مثبت و به طور کلی بعد ذهنی آن نیز مدنظر قرار گیرد (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۶).

بنابراین، بعد ذهنی سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی) و بعد عینی آن (مشارکت مدنی) دو مؤلفه شاخص و مهم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند که از یک سو افراد جامعه را برای مشارکت بیشتر در گروه‌های اجتماعی به یکدیگر پیوند می‌زند و از سوی دیگر هنجارهای مبتنی بر اعتماد انسجام درون گروه‌ها را بیشتر می‌کند.

اعتماد اجتماعی و شهروندی دموکراتیک

اعتماد اجتماعی، لازمه و تسهیل کننده تعاملات انسانی در هر دو سطح خرد و کلان اجتماعی می‌باشد. در واقع یک نگرش مثبت به فرد یا امری خارجی است و مبین میزان ارزیابی، از پدیده‌ای است که با آن مواجه هستیم (عباس زاده، ۱۳۸۳: ۲۶۹). از همین رو اعتماد، شرط ضروری برای جامعه مدنی و دموکراسی است (زتومکا، ۱۳۸۶: ۲۴۹). دموکراسی نیازمند مشارکت است. دموکراسی به شهروندانی فعال و آماده برای فعالیت در نهادها و نیز انجمن‌ها و سازمان‌های دموکراتیک جامعه مدنی نیاز دارد. مشارکت شهروندان مانند شرکت در انتخابات، خودگردانی، وجود انجمن‌ها و غیره نیاز به میزانی از اعتماد به نظام سیاسی، منصف بودن حاکمان و اثربخشی بالقوه تلاش‌های آن‌ها دارد. علاوه بر این، نیاز به وجود اعتماد شهروندان نسبت به یکدیگر است. مردم برای نیل به اهدافی که با تلاش شخصی شان قادر به دستیابی به آن‌ها نیستند، باید به همدیگر بپیوندند که برای این نیازمند اعتماد نسبت به یکدیگر هستند (همان: ۲۶۵).

در توسعه شهروندی دموکراتیک، تمرکز بر سطح خرد سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به این قضیه دلالت دارد که قرار گرفتن در شبکه‌های اجتماعی که با هنجارهای اعتماد القاء شده، به پشتوانه‌ای برای دموکراسی و فعالیت سیاسی منجر می‌شود (park&shin, 2003: 8). همان گونه که رابرت پاتنام در تحلیلش از عملکرد

دولت‌های محلی در ایتالیا به وضوح، جامعه مدنی را از طریق مفهوم سرمایه اجتماعی با دولت دموکراتیک پیوند می‌دهد. وی می‌گوید، انبوهی از شبکه‌های انجمن‌های داوطلبی، سرمایه اجتماعی را همراه با هنجار تعامل و اعتماد به وجود می‌آورند و شبکه‌هایی از ارتباطات اجتماعی را برای فعالیت مدنی فراهم می‌آورند که در نهایت به تاثیر بر عملکرد نهادهای دموکراتیک منجر می‌شود. این انجمن‌ها نه تنها برای فراگیری مهارت‌ها و منابع مشارکتی به اعضایشان کمک می‌کنند بلکه هنجارها و ارزش‌های دموکراتیک را نیز به آنها آموزش می‌دهند. ظاهراً انجمن‌ها، چارچوب و چگونگی علایق شهروندان را برای دموکراتیک شدن تسهیل می‌کنند (Ibid: 4). پاتنام، معتقد است که جلب اعتماد بین مردم و دولت‌مردان و نخبگان سیاسی می‌تواند موجب توسعه سیاسی و دموکراسی شود. اگر شهروندی به دیگران اعتماد کند آنها بیشتر می‌توانند از روی میل درخواست همکاری و فعالیت اجتماعی داشته باشند (ملاحسنی، ۱۳۸۱: ۵۶).

مشارکت مدنی و شهروندی دموکراتیک

مشارکت مدنی بیانگر توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و فعالیت‌هایی است که انتظار می‌رود یک شهروند آنها را دارا باشد و بتواند به کمک آنها، تعهد و الزام خود را به اداره جامعه‌ای که خود عضوی از آن است، به طور عملی نشان دهد (طالب زاده و فتحی، ۱۳۸۱: ۲۱۶).

مکاتب سرمایه اجتماعی عقیده دارند که مشارکت مدنی در انجمن‌های داوطلبانه پایه و اساس اجتماعی دموکراسی را می‌سازند. فرض بر این است که انجمن داوطلبانه در تشکیل و گسترش اجتماعی مختار عمل می‌کنند، وجود چندین انجمن‌های داوطلبانه به تحریک رفتار سیاسی و بالا بردن مهارت‌های شهروندان دموکراتیک کمک می‌کند. به علاوه، توافق به عمل آمده که، مشارکت مدنی در انجمن‌های داوطلبانه به توسعه

ارزش‌ها و محسنات دموکراتیک منجر می‌شود؛ مثل: اغماض نسبت به عقاید و اعمال سایرین، مسئولیت‌پذیری، صلح دوستی، احترام برای نظرات مخالف، از طریق آموزش و تربیت (Lee, 2008: 584) در سطح جمعی، سازمان‌های داوطلبانه به عنوان کارگزاری عمل می‌کنند که افکار گوناگون اعضاء را خلاصه و نمایندگی کرده و به عنوان حلقه اتصالی عمل می‌کنند که حکومت شوندگان را به حکومت کنندگان مرتبط می‌سازند و مشارکت اجتماعی فعال شهروندان را تسهیل می‌کنند. (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷: ۲۲۰).

به عقیده توکویل (۱۹۶۸) و میل (۱۹۱۰)، شبکه‌های فعالیت داوطلبانه اعتماد و تعاون را به وجود می‌آورند. میل، انجمن‌های داوطلبانه را به عنوان وسیله «آموزش ذهنی» در نظر می‌گرفت و توکویل بدان به عنوان «مدرسه آزاد و بزرگ» دموکراسی امریکایی اعتقاد داشت (نیوتن، ۱۳۸۷: ۶۹). در مدل توکویلی، کنش متقابل رودرو، سازمان‌های داوطلبانه را که برای ایجاد هنجارهای دموکراتیک در بین شهروندان ضروری است به طور رسمی سازماندهی می‌کند. آن‌ها به شهروندان فضیلت شهروندی، اعتماد، مدارا، توافق، بده و بستان، مهارت‌های دموکراتیک، بحث و سازماندهی را یاد می‌دهند (همان، ۷۱). در جایی دیگر، دوتوکویل و جان استوارت میل، مشارکت در انجمن‌های مدنی را به عنوان «مدارسی» برای «آموزش» شهروندان دموکراتیک، تلقی می‌کنند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۳۳). در واقع، این انجمن‌ها افراد منزوی را گردهم می‌آورند. یک انجمن باعث می‌شود افراد متفرق به هم نزدیک شده و به سوی یک هدف واحد حرکت کنند. بدین ترتیب انجمن‌ها به زندگی عمومی انسجام بخشیده، فضایل مدنی را تحکیم و ارزش‌های دموکراتیک را تثبیت می‌کنند (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

آلموند و وربا نشان می‌دهند که اشخاصی که در سازمان‌های داوطلبانه عضویت دارند از آنجا که مهارت‌های تصمیم‌گیری و سازماندهی دموکراتیک را یاد گرفته‌اند سریع‌تر به سوی هنجارهای حمایت از دموکراسی سوق می‌یابند، در نتیجه آنها درجه بالاتری از صلاحیت در امور سیاسی را به نمایش گذارده و از حد متوسط شهروندان مشارکت بیشتری دارند (Lee&Glasure, 2007: 104). از این گذشته مطابق با نظر آنها

عضویت در انجمن‌ها و درگیری در سازمانهای اجتماعی از طریق القای عادت به همکاری و تعامل در اعضا تعهد مدنی را به وجود می‌آورد که لازمه شهروندی دموکراتیک محسوب می‌شود (Park&shin, 2003: 8)

پاتنام معتقد است، اگر جامعه مدنی شکل گرفته باشد انتظار می‌رود افراد در شبکه‌های مشارکت مدنی گسترده‌ای فعالیت داشته باشند و در اثر آن، آن‌ها احساس رضایت بیشتری از زندگی خود داشته باشند، به کارآمدی قانون ایمان داشته باشند، هنجار معامله متقابل به میزان زیادی در آن جا یافت شود و شهروندان پیگیر اخبار جامعه باشند. در حالی که در غیاب شبکه‌های مشارکت مدنی، شهروندان مناطق غیر مدنی در امور سیاسی خود احساس ضعف، بیگانگی و استثمار شدگی می‌کنند (شارع پور، ۱۳۸۸: ۲۲۷-۲۲۸). وی بر این نظر است که انجمن‌های داوطلبانه به دو طریق بر کارکرد دموکراسی تاثیر می‌گذارند؛ یعنی آثار درونی انجمن‌ها بر مشارکت کنندگان و آثار بیرونی شان بر نظام سیاسی است. آثار بیرونی انجمن‌ها به عنوان کانال‌های جایگزین موثر عمل کرده و پیوند نهادی را بین اعضاء و نظام سیاسی فراهم می‌کنند. آثار درونی انجمن‌ها به دقت به تشکیل سرمایه اجتماعی در سطح خرد ارتباط پیدا می‌کند. انجمن‌ها به اعضاء عادت همکاری، همبستگی و شور عمومی القاء می‌کنند و از طرف دیگر تاثیر اجتماعی شدن دارند و مشارکت کنندگان عادت قلبی را می‌آموزند، از طرف دیگر تاثیر آموزشی دارند. مشارکت کنندگان (اعضای فعال) مهارت‌ها، صلاحیت‌ها و قابلیت‌هایی را به دست می‌آورند که برای دموکراسی مهم است و این دانش ممکن است در مورد موضوعات سیاسی خاص یا چگونگی کارکرد نهادهای سیاسی، چگونگی اداره سازمان‌ها یا چگونگی مباحثه و حل مسائل، از طریق مدنی در موضوعات گوناگون باشد. بنابراین اغلب از انجمن‌ها به عنوان «مدرسه‌های درونی دموکراسی» یاد شده است. انجمن‌های مدنی روابط عاطفی را که برای نهادهای دموکراتیک باثبات و کارآمد ضروری هستند، تقویت می‌کنند (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷: ۲۲۶). مشارکت در این انجمن‌ها ممکن است سطوحی از دموکراسی را تقویت

کنند؛ زیرا شهروندان می‌آموزند که فرایندهای دموکراتیک چگونه کار می‌کنند، مردمی که فعالانه در انجمن‌ها دخالت می‌کنند، می‌توانند به سوی فعالیت در احزاب سیاسی حرکت کنند (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷: ۲۲۷).

در واقع، مکتب سرمایه اجتماعی مدعی است که شبکه انبوهی از انجمن‌ها و اعتماد اجتماعی کاملاً گسترده به صورت توأمان، نقش برجسته‌ای را در تحکیم دموکراسی ایفا می‌کنند. علقه‌های اجتماعی، اعتماد و سرمایه اجتماعی از طریق تأثیرگذاری بر کمیت و کیفیت مشارکت سیاسی شهروندان، به حفظ دموکراسی کمک می‌کنند؛ یعنی از یک طرف، عضویت‌های رسمی در انجمن‌های داوطلبانه از طریق افزایش میزان مشارکت سیاسی به کمیت آن کمک می‌کند به طوری که مشارکت افراد در "انجمن‌های مدنی" احساس وظیفه و وابستگی متقابل را افزایش داده و عادت مشارکت را در شهروندان تقویت می‌کند، از طرف دیگر، قیود و الزام‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند بر ماهیت مشارکت - کیفیت تأثیر بگذارد (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

چارچوب نظری

شهروندی دموکراتیک مطابق با نظریه مارشال و در تقسیم بندی سه بعدی شهروندی در ابعاد حقوقی، سیاسی و اجتماعی، با شهروندی سیاسی مورد نظر مارشال قرابت معنایی نزدیکی دارد؛ در واقع شهروندی دموکراتیک با توجه به دارا بودن حقوق سیاسی در جامعه، به دنبال مشارکت فعال در امور و تصمیم‌گیری‌هایی است که در حیطه سیاسی مطرح می‌باشد و با شناخت مسائل گوناگون و آگاهی‌های سیاسی، خواهان شرکت فعال در امور جامعه است. که براساس نظریات پارک و شین، شهروندی دموکراتیک دو بعد نگرشی و رفتاری را در بر می‌گیرد و بعد نگرشی آن که بیشتر جنبه ذهنی دارد را

می‌توان در ارتباط با حقوق شهروندی و بعد رفتاری آن که جنبه عینی دارد و به نوعی عملکرد شهروندان را نشان می‌دهد را می‌توان در ارتباط با وظایف و تکالیف شهروندی تبیین نمود.

با چنین تلقی‌ای از مفهوم شهروندی دموکراتیک، از یکسو اهمیت بسزایی که شهروند دموکرات در استقرار و دوام دموکراسی و در نتیجه رشد و توسعه جامعه دارد، آشکار می‌گردد و از سوی دیگر نقش سرمایه اجتماعی در بسط و گسترش آن در جامعه مشخص می‌شود.

ایده اصلی رابطه بین سرمایه اجتماعی و شهروندی دموکراتیک در این تحقیق بر پایه نظریات پاتنام می‌باشد. این نظریه پرداز مطرح به خصوص در زمینه سرمایه اجتماعی، اثر مستقیم سرمایه اجتماعی را بر دموکراسی آشکار ساخته است. با توجه به ارتباط نزدیک بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی - اعتماد و مشارکت مدنی - با ابعاد شهروندی دموکراتیک - نگرشی و رفتاری - می‌توان گفت: سرمایه اجتماعی مورد نظر پاتنام علاوه بر تحکیم دموکراسی، به توسعه شهروندی دموکراتیک نیز کمک می‌کند. پاتنام در بیان نظریه اش درباره رابطه سرمایه اجتماعی بر دموکراسی به وجود توأمان دو مؤلفه اعتماد و مشارکت مدنی در استقرار یا تحکیم دموکراسی اشاره کرده است؛ بدین ترتیب با توجه به نظریه پاتنام می‌توان گفت وجود اعتماد در میان شهروندان به ارتباط بیشتر آنان و شکل‌گیری شبکه‌های مشارکت مدنی منجر می‌گردد و حضور در این شبکه‌های گسترده افراد را به مشارکت فعال در امور مربوط به جامعه تشویق می‌کند. براین اساس، برخلاف نظریه پردازان قبلی که تنها به بعد عینی سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت مدنی توجه کردند، پاتنام به هر دو بعد عینی و ذهنی یعنی مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی در رابطه با دموکراسی تکیه کرده است. در واقع بنا بر نظر پاتنام می‌توان گفت، در توسعه و رشد شهروندی دموکراتیک وجود هر دو بعد اعتماد و مشارکت مدنی ضروری است.

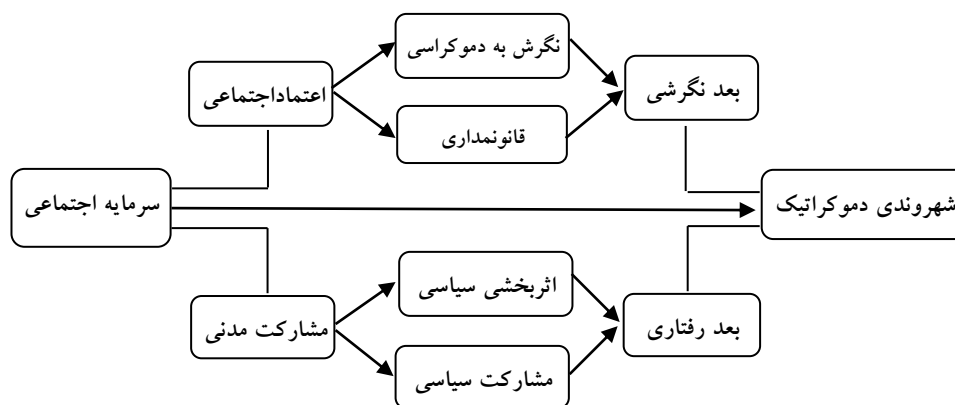
به اعتبار آراء پوتنام مشهود است که دو مؤلفه کلیدی سرمایه اجتماعی - اعتماد و مشارکت مدنی - سهم بسزایی در روند گسترش شهروندی دموکراتیک دارند. بدین صورت که؛ وجود گسترده اعتماد در سطح جامعه به شکل گیری انجمن‌های داوطلبانه و ایجاد مشارکت مدنی کمک می‌کند، و از طرفی وجود شبکه‌های مشارکت مدنی به پرورش شهروندان آگاه به مسائل و امور سیاسی منجر می‌شود. از نگاهی دیگر با توجه به ابعاد نگرشی و رفتاری شهروندی دموکراتیک می‌توان گفت، از آن جا که مؤلفه اعتماد بیشتر امری ذهنی و نا محسوس است و کیفیت روابط اجتماعی را در بر می‌گیرد، می‌تواند بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک - شامل: نگرش به دموکراسی و قانون مداری - را توسعه دهد؛ و از طرفی دیگر، به دلیل این که مؤلفه مشارکت مدنی، امری ملموس و عینی است و به شبکه‌های گسترده انجمن‌های داوطلبی در جامعه مربوط می‌شود، به احتمال فراوان درصدد توسعه بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک بر می‌آید. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت، از یک سو، اعتماد اجتماعی در بین شهروندان، ایمان به دموکراسی را در ذهن آنان می‌پروراند، و از جهتی دیگر، وجود شبکه‌های مشارکت مدنی، آنان را به سوی اعمال رفتارهای دموکراتیک سوق می‌دهد. بر پایه ی مبانی و چارچوب نظری فرضیه‌های تحقیق زیر مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد:

فرضیه‌های تحقیق

- ۱) با افزایش سرمایه اجتماعی، سطح شهروندی دموکراتیک نیز افزایش می‌یابد.
- ۲) با افزایش اعتماد اجتماعی، بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک نیز افزایش می‌یابد.

۳) با افزایش مشارکت مدنی، بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک نیز افزایش می‌یابد.

مطابق با چارچوب نظری و فرضیه‌های تحقیق، مدل نظری پژوهش بدین شکل قابل ترسیم است:



شکل ۲- مدل نظری تحقیق

روش شناسی

روش مورد نظر برای این تحقیق پیمایش^۱ است. قابل ذکر است جهت تدوین مبانی و چارچوب نظری پژوهش و با توجه به مرور منابع و تحقیقات پیشین از روش کتابخانه-ای (اسنادی) نیزه بهره گرفته ایم. تکنیک جمع آوری داده‌ها در این تحقیق با استفاده از ابزار پرسشنامه صورت گرفته است.

جمعیت آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه تهران می‌باشند، که در پنج گروه علوم انسانی، فنی و مهندسی، علوم پایه، پزشکی و پیراپزشکی و هنر مشغول به تحصیل

^۱Survey

بودند. از تعداد ۳۶۹۵۸ دانشجو، ۳۸۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران^۱ براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و در نهایت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردیدند.

سنجش و عملیاتی کردن متغیرهای پژوهش

تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی مطابق با تعریف پوتنام عبارت است از: ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی چون، اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌توانند کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های تعاونی بهبود دهند (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۲).

تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی: متغیر سرمایه اجتماعی دارای دو بعد شناختی و ساختاری است، که بعد شناختی آن شامل اعتماد و بعد ساختاری آن شامل مشارکت مدنی می‌باشد. که هر یک از این ابعاد با ۱۵ گویه سنجیده شدند.

تعریف مفهومی اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی پدیده‌ای است که تسهیل‌گر روابط انسانی است. اعتماد را می‌توان احساسی تلقی کرد که فرد یا افراد درباره چیزی دارند؛ البته آن چیزی که تایید شده است. اعتماد در واقع یک نگرش مثبت به فرد یا امری خارجی است و مبین میزان ارزیابی، از پدیده‌ای است که با آن مواجه‌ایم (عباس زاده، ۱۳۸۳: ۲۶۹).

تعریف مفهومی مشارکت مدنی: مشارکت مدنی بیانگر توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و فعالیت‌هایی است که انتظار می‌رود یک شهروند آن‌ها را دارا باشد و بتواند به کمک

$$380 = \frac{(36958)(1/96)^2(0/5)(0/5)}{(36958)(0/05)^2 + (1/96)^2(0/5)(0/5)}$$

آن‌ها، تعهد و الزام خود را به اداره جامعه‌ای که خود عضوی از آن است، به طور عملی نشان دهد (طالب زاده و فتحی، ۱۳۸۱: ۲۱۶).

تعریف مفهومی شهروندی دموکراتیک: مطابق با تعریف گیسون، شهروندی دموکراتیک، شهروندی است که به آزادی‌های فردی اعتقاد دارد، از نظر سیاسی مداراجو، بی‌اعتمادی معین و مشخص به قدرت و رهبری سیاسی دارد. در همان حال به شهروندان معمولی اعتقاد دارد، مطیع و فرمانبردار است، در عین حال از حقوق خود در مقابل دولت آگاه است و نیز به محدودیت قدرت دولت به واسطه قانون اطلاع دارد (Gibson, 1995: 45).

تعریف عملیاتی شهروندی دموکراتیک: متغیر شهروندی دموکراتیک دو بعد نگرشی و رفتاری را در بر می‌گیرد. که در تحقیق حاضر، بعد نگرشی آن شامل: نگرش به دموکراسی و قانون مداری و بعد رفتاری آن شامل: اثربخشی سیاسی و مشارکت سیاسی می‌گردد. که بعد نگرشی آن با ۲۱ گویه و بعد رفتاری آن با ۲۰ گویه سنجیده شدند (نگاه کنید به ترتیب به جداول شماره ۱ و ۲، ۳ و ۴).

تعریف مفهومی بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک: این بعد از شهروندی دموکراتیک جنبه ذهنی داشته و ناظر بر حقوق شهروندی است، که مبتنی بر دو مؤلفه نگرش به دموکراسی و قانون مداری است.

تعریف مفهومی بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک: این بعد از شهروندی دموکراتیک جنبه عینی داشته و ناظر بر تکلیف شهروندی است، که مبتنی بر دو مؤلفه اثر بخشی سیاسی و مشارکت سیاسی است.

جدول ۱- شاخص‌های بعدنگرشی شهروندی دموکراتیک: نگرش به دموکراسی

شاخص	بعد	متغیر
<p>۱- روند انتخابات در جامعه ما آزاد و منصفانه است.</p> <p>۲- روش‌های ثبت نام و معرفی نامزدها به مردم بی طرفانه است.</p> <p>۳- دسترسی نامزدها به رسانه‌ها و سایر وسایل ارتباطی یکسان است.</p> <p>۴- حکومت بر موضوعات مهم زندگی مردم تأثیرگذاری و کنترل دارد.</p> <p>۵- مسئولان اداری و اجرایی توسط وزیران حکومتی کنترل می‌شوند.</p> <p>۶- مسئولان اجرایی توسط قوه مقننه کنترل و بازخواست می‌شوند.</p> <p>۷- نیروهای امنیتی و پلیس در جامعه نسبت به عملکردشان پاسخگو می‌باشند.</p> <p>۸- مسئولان و کارگزاران عمومی دارای سلامت اخلاقی هستند.</p> <p>۹- وجود احزاب سیاسی متعدد در جامعه ضروری است.</p> <p>۱۰- کسب آگاهی سیاسی برای همه افراد جامعه لازم است.</p>	<p>نگرشی (نگرش به دموکراسی)</p>	<p>شهروندی دموکراتیک</p>

جدول ۲- شاخص‌های بعدنگرشی شهروندی دموکراتیک : قانون مداری

شاخص	بعد	متغیر
<p>۱- در مجموع آدمهایی که قانون را رعایت نمی‌کنند موفق تر هستند.</p> <p>۲- چرا باید از قانون اطاعت کنیم در حالی که مجریان قانون خود از آن اطاعت نمی‌کنند.</p> <p>۳- در جامعه ما، قانون از آن جهت وضع شده که فقط عده خاصی نفع ببرند.</p> <p>۴- تخلف از قوانین هیچ توجیهی ندارد.</p> <p>۵- درست است که قانون در جامعه مهم است ولی می‌توان به خاطر خانواده و دوستان نزدیک از آن چشم پوشی کرد.</p> <p>۶- شاید قوانین با برخی از ارزشهای ما ناسازگار باشند، ولی همه باید از آن اطاعت کنند.</p> <p>۷- عملکرد دستگاههای نظارتی در جامعه کارایی لازم را ندارد.</p> <p>۸- مجریان قانون در اجرای قانون توانایی لازم را ندارند.</p> <p>۹- در پست‌های سیاسی افراد شایسته قرار نگرفته‌اند.</p> <p>۱۰- در جامعه ما افراد به حقوق خود آشنا نیستند.</p> <p>۱۱- قبح قانون شکنی از بین رفته است.</p>	نگرشی (قانون‌مداری)	شهروندی دموکراتیک

جدول ۳- شاخص‌های بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک: مشارکت سیاسی

شاخص	بعد	متغیر
<p>۱- شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات</p> <p>۲- تبلیغ و هواداری از گروه‌ها و احزاب سیاسی</p> <p>۳- شرکت در بحث و گفتگوی سیاسی</p> <p>۴- شرکت در انتخابات</p> <p>۵- عضویت و فعالیت در تشکل‌های سیاسی دانشجویی</p> <p>۶- شرکت و فعالیت در ستادهای انتخاباتی</p> <p>۷- راه‌اندازی شبکه‌های سیاسی مجازی و وبلاگ‌های سیاسی</p> <p>۸- پیگیری اخبار و کسب اطلاعات سیاسی از طریق رسانه‌ها</p> <p>۹- پرداختن به بحث سیاسی در کلاس یا خوابگاه یا محیط دانشگاه با سایر دانشجویان</p> <p>۱۰- شرکت در اعتراضهای جمعی دانشجویان در خصوص مسائل صنفی و سیاسی</p> <p>۱۱- سخنرانی یا مقاله نویسی در خصوص مسائل سیاسی</p> <p>۱۲- تشویق دیگران به فعالیت سیاسی</p> <p>۱۳- نام نویسی برای انتخاب شدن در انتخابات مرکزی تشکل‌های سیاسی دانشگاه</p>	<p>رفتاری (مشارکت سیاسی)</p>	<p>شهروندی دموکراتیک</p>

جدول ۴- شاخص‌های بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک: اثر بخشی سیاسی

متغیر	بعد	شاخص
شهروندی دموکراتیک	رفتاری (اثر بخشی سیاسی)	۱- سیاست آنقدر پیچیده است که افرادی مثل من نمی‌توانند از آن سر در بیاورند.
		۲- فکر می‌کنم توانایی و اطلاعات کافی برای مشارکت در امور سیاسی کشور را دارم.
		۳- افرادی مثل من در تعیین یا تغییر امور سیاسی کشور نقش و مسئولیت دارند.
		۴- آنقدر در زندگی خود گرفتارم که نمی‌توانم به سیاست فکر کنم.
		۵- فکر می‌کنم مقامات و مسئولین کشوری به نظرات افرادی مثل من احتیاجی ندارند.
		۶- رأی دادن تنها راهی است که افرادی مثل من می‌توانند حرفشان را به مسئولین بزنند.
		۷- افرادی مثل من حرفی برای گفتن درباره حکومت ندارند.

اعتبار و روایی وسیله‌اندازه‌گیری

پژوهش حاضر در طراحی پرسشنامه جهت گردآوری داده‌ها برای پژوهش از گویه‌ها و یا معرف‌های که قبلاً توسط اساتید مجرب در تحقیقات قبلی ساخته شده و مورد آزمون قرار گرفته استفاده کرده است از جمله تحقیقات پارک و شین (۲۰۰۳)، لی (۲۰۰۸)، موحد و دلبری (۱۳۸۳)، رضایی (۱۳۸۴)، شارع پور (۱۳۸۸)، محسنی و معیدفر (۱۳۹۰) و... که بدین ترتیب اعتبار معیار تحقیق بالا می‌رود، و پس از تدوین پرسش‌های لازم توسط محقق و به رویت رسیدن آنها توسط اساتید و متخصصین و

رفع اشکال از آنها، در قالب پرسشنامه (طی دو مرحله مقدماتی و نهایی) آماده توزیع در میان پاسخگویان شد و به این صورت اعتبار صوری پژوهش نیز بالا می‌باشد. در پیمایش حاضر برای تحلیل پایایی گویه‌های پرسشنامه نیز از ضریب پایایی آلفا استفاده شده است که به شرح جدول شماره ۵ می‌باشد.

جدول ۵ - ضرایب آلفای کرونباخ مربوط به پایایی مقیاس‌های تحقیق

متغیر	ضریب پایایی
شهروندی دموکراتیک	.۷۵
نگرش به دموکراسی	.۸۰۴
قانون مداری	.۷۳۲
اثر بخشی سیاسی	.۶۹۲
مشارکت سیاسی	.۹۳۰
سرمایه اجتماعی	.۸۶
مشارکت مدنی	۰/۹۴۵
اعتماد اجتماعی	۰/۷۴۱

یافته‌های پژوهش

سیمای جمعیت آماری

نتایج آماره‌های توصیفی متغیرهای زمینه‌ای بدین صورت بوده‌اند که: از مجموع ۳۸۰ دانشجوی مورد بررسی در این پژوهش، ۴۵٫۷ درصد را پسران و ۵۴٫۳ درصد را دختران تشکیل می‌دادند و از این تعداد بیشتر دانشجویان در گروه سنی ۱۸-۲۴ سال قرار داشتند و اکثر آنان دانشجویان دوره کارشناسی بودند و دانشجویان دانشکده انسانی نیمی از پاسخگویان را شامل گردیدند و بیشتر دانشجویان ورودی سال ۱۳۸۸ بودند.

اغلب دانشجویان خود را متعلق به طبقه متوسط جامعه می‌دانستند و بیشتر شهرستانی بودند تا تهرانی در عین حال از بین قومیت‌های گوناگون اکثر دانشجویان فارسی زبان بوده و از نظر وضعیت سکونت بیشتر آنان دارای منازل شخصی بودند و تعداد مجردین نیز بیشتر از متأهلین بوده است.

جدول ۶- توزیع درصدی میانگین و انحراف معیار شهروندی دموکراتیک و سرمایه

اجتماعی به تفکیک مولفه‌های هریک

متغیر	کم	متوسط	زیاد	میانگین	انحراف معیار	دست کم نمره مقیاس	حداکثر نمره مقیاس
شهروندی دموکراتیک	۶,۶	۸۰,۵	۱۲,۹	۹۷,۸۶۸	۷,۴۰۵۷۲	۴۴	۲۰۵
بعد نگرشی	۲,۱	۷۷,۹	۲۰,۰	۲۹,۹۱۵۸	۵,۵۹۰۰۶	۲۲	۱۰۵
نگرش به دموکراسی	۲۴,۵	۵۵,۸	۱۹,۷	۱۹,۴۲۶۳	۵,۲۲۶۰۱	۱۰	۵۰
قانون مداری	۲,۱	۷۷,۹	۲۰,۰	۱۰,۴۸۹۵	۱,۶۸۸۸۳	۱۱	۵۵
بعد رفتاری	۳,۹	۵۹,۲	۳۶,۸	۱۹,۴۲۶۳	۵,۲۲۶۰۱	۲۰	۱۰۰
اثر بخشی سیاسی	۳۴,۷	۶۲,۹	۲,۴	۱۸,۸۵۰۰	۳,۰۶۰۷۱	۷	۳۵
مشارکت سیاسی	۳۶,۳	۴۰,۸	۲۲,۸	۲۹,۰۹۲۱	۱۰,۰۷۶۹۸	۱۳	۶۵
سرمایه اجتماعی	۴۱,۸	۴۶,۱	۱۲,۱	۷۸,۶۸۱۶	۱۲,۱۶۹۱۹	۳۰	۱۵۰
اعتماد اجتماعی	۳,۲	۹۱,۸	۵,۰	۴۸,۸۴۴۷	۵,۸۱۴۶۰	۱۵	۷۵
مشارکت مدنی	۵۸,۲	۳۰,۰	۵۵,۹	۳۷,۸۳۱۶	۵,۶۳۰۹۶	۱۵	۷۵

مطابق با نتایج جدول شماره ۶ مشخص می‌شود که ۸۰,۵ درصد از دانشجویان از سطح شهروندی دموکراتیک متوسطی برخوردارند و تنها ۶,۶ درصد دانشجویان، از

سطح شهروندی دموکراتیک پایینی برخوردار بودند. در مقایسه بین ابعاد نگرشی و رفتاری مشاهده می‌شود که میزان بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک که ناظر بر حقوق شهروندی است، بیش از بعد رفتاری که ناظر بر تکالیف شهروندی است، در بین دانشجویان تحقق یافته است. از سوی دیگر از میان خرده ابعاد گوناگون، متغیر قانون مداری با متوسط ۷۷,۹ درصد بالاترین میزان و متغیر مشارکت سیاسی با متوسط ۴۰,۸ درصد کمترین میزان را دربر داشته‌اند. نتایج بیانگر این مسئله است که بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک که ناظر بر تکالیف شهروندی است کمتر در جامعه تحقق یافته است و زمینه لازم برای مشارکت افراد در جامعه ایجاد نگردیده است.

همچنین نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که افراد از سطح سرمایه اجتماعی نسبتاً متوسطی برخوردارند و با مقایسه دو بعد ذهنی و عینی سرمایه اجتماعی مشخص می‌گردد که میزان اعتماد اجتماعی در بین افراد با متوسط ۹۱,۸ درصد بیش از مشارکت مدنی است که با میانگین ۵۸,۲ درصد، افراد دارای مشارکت مدنی کمی می‌باشند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات

جدول ۷- آزمون ضریب همبستگی پیرسون سرمایه اجتماعی و شهروندی دموکراتیک

متغیر	شهروندی دموکراتیک	متغیر	بعد نگرشی شهروندی	متغیر	بعد رفتاری شهروندی
سرمایه اجتماعی	۴۲۳. (**)	اعتماد اجتماعی	۴۱۹. (**)	مشارکت مدنی	۱۵۲۰. (**)
	۰,۰۰۰۱		۰,۰۰۰۱		۰,۰۰۰۴
	۳۸۰		۳۸۰		۳۸۰

نتایج آزمون ضریب همبستگی مندرج در جدول شماره ۷ حاکی از آن است که رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک وجود دارد به این معنا که هر چقدر که میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد میزان شهروندی دموکراتیک نیز بالا می‌رود. در نتیجه فرضیه اول مبتنی بر رابطه سرمایه اجتماعی و شهروندی دموکراتیک تأیید می‌گردد.

نتایج همین جدول نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین اعتماد اجتماعی با بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک وجود دارد به این معنا که هر چقدر که میزان اعتماد اجتماعی بیشتر باشد بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک نیز بالا می‌رود. در نتیجه فرضیه رابطه بین اعتماد اجتماعی و بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک مورد تأیید واقع می‌شود.

نتایج جدول شماره ۷ همچنین نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین مشارکت مدنی با بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک وجود دارد به این معنا که هر چقدر که میزان مشارکت مدنی بیشتر باشد بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه فرضیه سوم که مبتنی بر رابطه بین مشارکت مدنی و بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک است تأیید می‌شود.

جدول ۸- نتایج آزمون دو رگرسیون مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی بر ابعاد رفتاری و نگرشی شهروندی دموکراتیک

متغیر آماره	بعد رفتاری			بعد نگرشی		
	مقدار ثابت a	اعتماد اجتماعی	مشارکت مدنی	مقدار ثابت a	اعتماد اجتماعی	مشارکت مدنی
Beta	-	۰,۳۱۲	۰,۴۱۵	-	۰,۵۰۶	۰,۲۹۷
مقدار T	۱,۹۵۹	۴,۵۳۰	۸,۸۷۷	۳,۰۲۹	۱۱,۷۸۰	۶,۹۲۲
Sig	۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰۳	۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰۱
R	۰,۵۰۵			۰,۶۹۹		
R ²	۰,۲۵۵			۰,۴۸۸		

آزمون رگرسیون بین متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی با بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین دو متغیر با بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک برقرار می‌باشد. همچنین نتایج بیانگر این است که رابطه بین اعتماد با بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک بیش از رابطه مشارکت مدنی با آن است. آزمون رگرسیون بین متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی با بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین دو متغیر با بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک برقرار می‌باشد. همچنین نتایج بیانگر این است که رابطه بین مشارکت مدنی با بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک بیش از رابطه اعتماد اجتماعی با آن است (نگاه کنید به جدول شماره ۸)

نتیجه گیری

همان طور که اشاره شد هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه سرمایه اجتماعی همراه با دو بعد آن، اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی با شهروندی دموکراتیک در میان دانشجویان بوده است. نتایج توصیف آماری متغیر وابسته تحقیق یعنی شهروندی دموکراتیک بیان کننده این مسئله بودند که: اکثر دانشجویان از نظر شهروندی دموکراتیک در سطح متوسط رو به بالا بودند و این مسئله تاحدی امیدوار کننده است که دانشجویان جامعه ما نسبت به مسائل پیرامون در جامعه بی تفاوت نیستند و خود را صاحب حق و وظیفه می دانند که در امور جامعه خود به عنوان یک شهروند مشارکت فعال داشته باشند. همچنین نتایج نشان داد که میزان بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک، نسبت به بعد رفتاری آن در میان دانشجویان گسترش بیشتری داشته است. در واقع، دانشجویان از نظر بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک که ناظر بر حق است به حقوق خود در جامعه تا حدود زیادی واقفند اما از نظر بعد رفتاری که ناظر بر تکلیف است و ملزم می گردند در فرایندهای سیاسی جامعه شرکت کنند در سطح پایین تری هستند و این مسئله به شرایط جامعه و عدم بسترسازی لازم برای مشارکت هرچه بیشتر مردم برمی گردد و نشان می دهد جامعه ما در این زمینه با مشکل روبه روست و باید اقدامات مناسب در جهت تشویق افراد به مشارکت در شبکه های اجتماعی به عمل آید.

نتایج آزمون فرضیات بیانگر این مسئله بودند که وجود سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان می تواند در افزایش سطح شهروندی دموکراتیک مؤثر باشد. چرا که وجود دو بعد مهم سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی، به شکل دادن هنجارهای دموکراتیک در فرد و در نتیجه به سوق دادن افراد در جهت شرکت در فرایندهای سیاسی، می انجامد. در واقع، بعد ذهنی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، حس همدلی، کمک به دیگران، ارزیابی مثبت نسبت به دموکراسی و... را در افراد پرورش می دهد و از سوی دیگر بعد عینی آن یعنی مشارکت مدنی، افراد را تشویق می کند که

در فرایندهای سیاسی مربوط به جامعه شرکت کنند از سوی دیگر رابطه اعتماد اجتماعی با بعد نگرشی شهروندی دموکراتیک بیش از رابطه مشارکت مدنی با آن است. همچنین رابطه مشارکت مدنی با بعد رفتاری شهروندی دموکراتیک بیش از رابطه اعتماد با آن است.

علاوه بر این، از میان متغیرهای زمینه‌ای نتایج نشان می‌دهد که بین جنس و شهروندی دموکراتیک رابطه معناداری برقرار بوده است به طوری که دانشجویان پسر نسبت به دختران از نظر شهروندی، دموکراتیک تر بودند.

پیشنهادها

بر اساس این یافته‌ها پیشنهاد می‌شود که برای رسیدن به توسعه سیاسی و استقرار دموکراسی واقعی لازم است سرمایه اجتماعی در جامعه و در میان افراد گسترش یابد بدین منظور در وهله اول باید سطح اعتماد اجتماعی و به ویژه اعتماد تعمیم یافته در بین افراد افزایش یابد به طوری که حسن ظن نسبت به دیگران، اعتماد به رسانه‌های جمعی، رضایت از عملکرد مسئولین، اعتقاد به آزادی و امنیت، ارزیابی مثبت نسبت به دموکراسی و... در جامعه ترویج پیدا کند و در مرحله بعد با فراهم سازی زمینه‌های گسترده شبکه‌های مشارکت مدنی که افراد در آن حضور یابند و به مشارکت در فرایندهای گوناگون مربوط به جامعه پردازند به توسعه شهروندی دموکراتیک پردازیم چرا که مطابق با نظریات توکویل، پوتنام، آلموند و وربا، افراد جامعه با حضور در چنین شبکه‌های گسترده مشارکت مدنی است که می‌توانند ارزشهای دموکراتیک را فراگرفته و در خود گسترش دهند.

بررسی به عمل آمده در این پژوهش بیانگر این مسئله است که در مسیر دموکراسی خواهی تنها با تأکید بر عوامل ساختاری نمی‌توان به دموکراسی واقعی و تحکیم آن در جامعه دست یافت؛ و همانطور که نتایج برخی از مطالعات در این زمینه

از جمله: عبداللهی و حسین بر (۱۳۸۵)، موحد و دلبری (۱۳۸۳) و ... نشان دادند که برای دست یافتن به یک جامعه مبتنی بر دموکراسی، توجه به کنشگران انسانی و در واقع افراد جامعه شرط اصلی آن است. اگرچه در مطالعات انجام شده در این ارتباط تأکید بر یکی از ابعاد نگرشی یا رفتاری شهروندی دموکراتیک مدنظر بوده است اما نتایج این پژوهش نشان داد که توجه به هر دو بعد شهروندی دموکراتیک می‌بایست مورد توجه قرار گیرد چرا که وجود هر دو بعد نگرشی و رفتاری برای توسعه شهروندی دموکراتیک و در نتیجه دست یابی به توسعه سیاسی ضروری است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که ضمن تدوین و برنامه‌ریزی فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی مناسب به ویژه از طریق کتب درسی، رسانه‌های جمعی، فضای مجازی، مراکز فرهنگی و اجتماعی شهری و سایر کارگزاران فرهنگی در جهت افزایش آگاهی شهروندان در زمینه حقوق و تکالیف شهروندی توأمان، اهتمام جدی نمود.

منابع

- آرم، آنتونی؛ سی مور، مارتین لیپست. (۱۳۷۶)، «جامعه‌شناسی سیاسی»، مترجم: احمد پیشه‌وری، اهواز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- ارمه، گی. (۱۳۷۶)، «فرهنگ و دموکراسی»، مترجم: مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
- استارگی.هاگ. (۱۳۸۸)، «شهروندی دموکراتیک، زبان‌ها، تنوع و حقوق بشر»، مترجم: رضا اسلامی و مهدی ابوالفتحی، نشریه حقوق اساسی، سال ششم، شماره ۱۱.
- اسلامی. رضا. (۱۳۸۵)، «آموزش شهروندی دموکراتیک»، روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۸۵/۱۱/۸، صفحه ۷.

- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۰)، «سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری»، تهران: مدیریت شهری، شماره ۷.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۴)، «آموزش دانش سیاسی: مبانی نظری علم سیاست نظری و تأسیسی»، تهران: موسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، «دموکراسی و سنت‌های مدنی»، مترجم: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی»، مترجم: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- جاویدی، طاهره و عالی، مرضیه. (۱۳۸۷). «تحلیلی بر ابعاد و گستره آموزش غیررسمی در تربیت شهروند دکوراتیک»، مقالات اولین همایش آموزش و یادگیری غیررسمی دانشگاه فردوسی مشهد.
- جیکویز، لزلی. ای. (۱۳۸۶). «درآمدی بر فلسفه سیاسی نوین»، مترجم: مرتضی جیریایی، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد. (۱۳۸۴)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲.
- حاجی پور، خلیل. (۱۳۸۵)، «برنامه ریزی محله-مبنا؛ رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- دانایی فرد، حسن و آذر، عادل و صالحی، علی. (۱۳۸۹)، «قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی- فرهنگی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره ۳.
- دوتوکویل، الکسیس. (۱۳۸۳)، «تحلیل دموکراسی در امریکا»، مترجم: رحمت‌الله مراغه‌ای، تهران: نشر زوار.

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی ... ۱۳۳

- راش. مایکل. (۱۳۸۵)، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶)، «اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی»، مترجم: غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- سردارنیا، خلیل‌الله. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۹-۲۶۰.
- شارع‌پور، محمود و غلامزاده، خلیل. (۱۳۸۸)، «رابطه عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با میزان اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸.
- طالب‌زاده نوبریان، محسن و فتحی‌واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۱)، «مباحث تخصصی برنامه ریزی درسی»، تهران: نشر آبیژ.
- عباس‌زاده، محمد. (۱۳۸۳)، «عوامل اجتماعی موثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- عبداللهی. محمد و حسین بر. محمد عثمان. (۱۳۸۵). «هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴.
- غفاری. مسعود و زرین‌کاویانی. بهروز. (۱۳۹۰)، «بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶-۸۴»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۱.
- غفوری، محمد و جعفری، روح‌الله. (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی؛ رابطه متقابل یا یک سویه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره دوم.
- فاطمی‌نیا. سیاوش. (۱۳۸۶). «فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.

- فالکس، کیث. (۱۳۸۱). «شهروندی»، مترجم: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- فتحی، کوروش و واحد چوکده، سکینه. (۱۳۸۵). «شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسط نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره هفده، سال پنجم.
- فتحی و اجارگاه. کوروش و واحد چوکده. سکینه. (۱۳۸۸)، «آموزش شهروندی در مدارس»، نشر آیتز.
- کیویستو، پیتر. (۱۳۸۶). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ ششم.
- لیپست، سیمون مارتین. (۱۳۸۳)، «دایره المعارف دموکراسی»، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، جلد دوم.
- ملاحسنی، حسین. (۱۳۸۱)، «بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- موحد. مجید و دلبری. محمد. (۱۳۸۳)، «دینداری سنتی و نگرش نسبت به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- میرابراهیمی. روزبه. (۱۳۸۱)، «شهروند دموکراتیک لازمه تحقق دموکراسی»، نشریه همبستگی، ۱۳۸۱/۱/۲۱، صفحه ۸.
- میلر، جی. پی. (۱۳۸۷)، «نظریه‌های برنامه درسی»، مترجم: محمود میر محمدی، تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم.

۱۳۵ بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی ...

- نجاتی حسینی. سید محمود. (۱۳۸۴)، «حق و وظیفه شهروندی در فلسفه سیاسی هابرماس»، رساله دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

- نیوتن، کنت. (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی و دموکراسی»، مترجم: جمال محمد زاده، فصلنامه زیربار، سال دوازدهم، شماره ۶۶ و ۶۵.

-Broad benntt. Edward. (2002). **The Threat to Democratic Citizenship**,

Institute of social policy Caledon , Isbn#1-5۵۳۸۲-۰۲۱-۵.

-Gibson. L.Games. (1995). Social networks ,civil society ,and the prospects for consolidating Russia' s Democratic Transition, **American Journal of political science**,45(1) ,pp. 55-68

-Glaeser-Edward L. (2001). **the formation of social capital organization for economic co-operation and development** , www.oecd.org

-jaechul . Lee. (2008). **social capital and Democracy Embedded in the citizens Reviw Asian survey** , vol.xlvIII , No 4.

-Ane-Rie&Glasure. Yong. U. (2007). **Social capital and participation in south korea** , copyright @ 2007 Heldref publications

-park.chang.min & shin. Doh. Chull. (2003). **social capital and democratic citizenship: the case of south korea**. Working paper series : No. 12.

-Starkey, H. (2002). '**Language teaching, citizenship, human rights and intercultural education**'. In A. Swarbrick (ed.), *Modern Foreign Languages in Secondary Schools* (pp. 95-111). London: RoutledgeFalmer. Stoke on Trent: Trentham.